

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۴/۲۹

موضوع: شرح نامه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به «عثمان بن حنیف» حاکم بصره (۲)

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت». در شام شهادت امام صادق (علیه السلام) بیننده برنامه اخلاق علوی هستید. امیدوارم ان شاء الله عزاداری هایتان مورد قبول درگاه احدیت قرار گرفته باشد.

در این برنامه هم مثل سایر برنامه‌های «اخلاق علوی» افتخار این را داریم که از محضر استاد عزیز و ارجمند آیت الله دکتر حسینی قزوینی استفاده کنیم.

به نیابت از شما هم خدمت استاد عرض سلام دارم و همچنین شهادت امام صادق (علیه السلام) را تسلیت عرض می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر جای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و با صفای خانواده خود قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم.

از خدای عالم می‌خواهم به آبروی امام صادق که شام شهادت آن بزرگوار است با تسلیت به ساحت مقدس حضرت ولی عصر و همه علاقمندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان فرج مولایمان حضرت بقیة اللہ الأعظم را نزدیک کند و ما را از یاران آن بزرگوار قرار دهد.

از خداوند متعال می‌خواهم دغدغه‌های فکری ما را برطرف سازد، دعاهای ما را به اجابت برساند و حوائج ما را برآورده کند؛ ان شاء اللہ.

مجری:

ان شاء اللہ؛ حضرت استاد از شما متشکرم. به اطلاع عزیزانی که با ما همراه هستند برسانم حضرت استاد سخنرانی را در شام شهادت حضرت امام صادق داشتند که البته اخبار و تصاویر آن در کانال تلگرامی «شبکه جهانی ولایت» منتشر شد که می‌توانید آنجا مراجعه بفرمایید.

من دوست دارم که حضرت استاد به صورت مقدمه در مورد امام صادق (علیه السلام) مطالبی را بفرمایند و بعد از آن ان شاء اللہ طرح سؤال خواهم کرد.

موضوع: حضرت امام صادق (سلام اللہ علیہ) از منظر علمای اهل سنت

آیت اللہ دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم اللہ الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة اللہ و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله

افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر رب أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و أجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا

در رابطه با امام صادق (علیه السلام) سخن گفتن بسیار دشوار است. اگر ما بخواهیم در حد توان ناقصمان نسبت به آن بزرگوار صحبت کنیم باید ده‌ها جلسه به این کار اختصاص دهیم.

شب گذشته در استان خراسان رضوی، شهر تایباد در حوزه علمیه امام صادق مجلس با شکوهی برگزار شده بود که علمای شیعه و سنی در آنجا حضور داشتند. دیشب برنامه بسیار جامعی برگزار شد که ان‌شاءالله به حول قوه الهی از «شبکه جهانی ولایت» پخش خواهد شد.

نکته جالبی که باید مورد توجه واقع شود این است که در زمان امامت امام صادق (علیه السلام) درگیری‌هایی بین بنی امیه و بنی عباس بود که کشتارهایی هم داشتند به طوری که آمار کشته شده‌های نبی امیه را به هجده هزار نفر هم رسانده‌اند.

امام صادق (علیه السلام) بیشترین استفاده را کردند و به نشر معارف اهل بیت و معارف دینی مشغول شدند و به درگیری‌های عصر خود بی‌توجه بودند.

آقای «ابوسلمه خلال» که خود را وزیر آل محمد لقب داده بود نامه‌ای به حضرت نوشت و از حضرت خواست در این شورش‌ها و انقلاب‌هایی که ایجاد شده حضور پیدا کند و خود نیز اعلام وفاداری کرد.

در کتاب «مروج الذهب» جلد ۳ صفحه ۲۵۳ به طور مفصل نقل شده است که وقتی نامه‌رسان نامه «ابو سلمه خلال» را به امام صادق داد، حضرت چراغی خواستند، نامه او را در چراغ انداختند، سوزاندند و فرمودند: پیام «ابوسلمه خلال» همین است.

«ابومسلم خراسانی» نیز به امام صادق نامه نوشت و اعلام وفاداری و جانبازی در رکاب آن بزرگوار کرد، اما حضرت به او فرمود:

« مَا أَنْتَ مِنْ رِجَالِي وَلَا الزَّمَانِ زَمَانِي »

نه تو آدمی هستی که بتوانم به او اعتماد کنم و نه عصری است که بتوانم قیام کنم.

الملل والنحل؛ تألیف: محمد بن عبد الکریم بن اَبی بکر أحمد الشہرستانی؛ (۴۷۹ - ۵۴۸)؛ الجزء

الأول؛ تحقیق: محمد سید گیلانی؛ دار المعرفة؛ بیروت - لبنان، ج ۱، ص ۱۵۴

علت اساسی که امام صادق نه خود در این انقلابها شرکت می‌کردند و نه به دوستانشان اجازه چنین کاری را می‌دادند همین بود. «ابوبکر حصرمی» و «أبان بن تغلب» برای کسب تکلیف نزد امام صادق آمدند. قیام تمام مناطق از جمله مدینه، شامات، مکه و مناطقی از ایران را فراگرفته بود و شورش‌های مفصلی صورت گرفته بود. امام صادق فرمود:

«اجلسوا فی بیوتکم»

وظیفه شما شیعه‌ها این است که در خانه‌هایتان بنشینید.

«فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ»

اگر خود ما اجماع کردیم که شخصی صلاحیت مدیریت قیامها و شورشها را دارد آن وقت مسلحانه نزد ما بیایید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۲،

ص ۱۳۹، ح ۴۴

«ابراهیم طباطبا» معروف به «امام» وقتی به «ابومسلم خراسانی» دستور می‌دهد که زمینه را برای خلافت بنی عباس فراهم کند، می‌گوید: هرکسی را که در خراسان به او بدگمان شدی او را به قتل برسان.

طبق دستور او حتی اگر بچه‌ای که چند وجب بیشتر قد نداشت و «ابو مسلم خراسانی» به او مشکوک می‌شد باید او را گردن می‌زد.

این در حالی است که آقای «مقریزی» در کتاب «النزاع و التخاصم» صفحه ۶۷ می‌نویسد: اگر «ابراهیم طباطبا» عامل خود «ابومسلم خراسانی» را به دیار شرک می‌فرستاد هم نمی‌توانست به او چنین دستوری بدهد.

طبق آمار صریح «ابن کثیر دمشقی» در کتاب بیان شده تنها در منطقه خراسان ششصد هزار نفر با شمشیر و شکنجه کشته شدند. او در کتاب «البدایة و النهایة» می‌نویسد:

«أبا مسلم قتل فی حروبه وما کان یتعاطاه لأجل دولة بنی العباس ستمائة الف صبرا عن من قتل بغير ذلك»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت، ج ۱۰، ص ۷۲، باب وذكر بن جریر أن المنصور تقدم إلى عثمان بن نهبیک

طبق نقل او تنها ششصد هزار نفر با شمشیر و شکنجه کشته شدند. حال تعداد کسانی که به صورت عادی کشته شدند جداست.

لذا امام صادق (علیه السلام) شروع به نهضت علمی کرد و شاگردانی تربیت کرد به طوری که شیعه و سنی در پای درس امام صادق حضور پیدا کردند. «ابن تیمیه حرانی» در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد ۴ صفحه ۱۲۶ می‌نویسد:

«فإن جعفر بن محمد لم یجىء بعد مثله»

چشم گیتی مانند امام صادق را ندیده است.

«وقد أخذ العلم عنه هؤلاء الأئمة»

پیشوایان و امامان اهل سنت افتخار شاگردی امام صادق را داشتند.

«كما لك وابن عينة وشعبة والثوري وابن جريج ويحيى بن سعيد وأمثالهم من العلماء المشاعير

الأعيان»

افرادی مانند ابن عیینة و شعبه و ثوری و ابن جریج و یحیی بن سعید و امثال او از علمای مشهور ما از شاگردان امام صادق بودند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٤، ص ١٢٦

اگر امام صادق خودشان را درگیر قضایای جنگ کرده بودند قطعاً چنین موفقیتی را بدست نمی آوردند. مشاهده کنید قبل از امام صادق بسیاری از مردم احکام حج را نمی دانستند و بسیاری از حلال و حرامها برای آنها روشن نشده بود.

زمانی که بنی امیه بر جامعه اسلامی مسلط شدند، کاری به دین و شریعت نداشتند. آنها می خواستند از مردم بیگاری بکشند، اموال آنها را تصرف کنند و قدرت نمایی کنند. بنابراین وقتی امام صادق (علیه السلام) به میدان می آیند چنین موفقیت هایی بدست می آورند.

وقتی از «ابوحنیفه» سؤال می کنند:

«من أفتقه من رأيت؟»

چه کسی از همه فقیه‌تر است؟

او در جواب می‌گوید:

«ما رأیت أحدا أفقه من جعفر بن محمد»

فقیه‌تر از امام صادق ندیدم.

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بیروت - ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج ۵، ص ۷۹، ح ۹۵۰

«مالک بن انس» رئیس مالکی‌ها به صراحت اعلام می‌کند:

«ما رأت عین و لا سمعت أذن و لا خطر علی قلب بشر أفضل من جعفر الصادق فضلا و علما و عبادة و

ورعا»

چشمی ندیده، گوشی نشنیده و به ذهن کسی با فضیلت تر از امام صادق در علم و عبادت و ورع خطور

نکرده است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۷،

ص ۲۸، ح ۲۸

مشاهده کنید نهضت علمی بزرگ امام صادق (علیه السلام) چنین بوده است. امشب شام شهادت آن بزرگوار

بود؛ عاقبت به دستور «منصور دوانیقی» آن بزرگوار را مسموم کردند و آن حضرت در بیست و پنجم این ماه

بزرگ شربت شهادت نوشیدند.

طبق وصیت آن بزرگوار جنازه مبارک ایشان را تشییع کردند و در قبرستان بقیع در کنار قبر مطهر امام باقر، امام سجاد و امام مجتبی (علیهم السلام) دفن کردند.

در روز شهادت امام صادق (علیه السلام) شهر مدینه مملو از شیون و ناله بود. شیعه و سنی، دوست و دشمن در عزای آن بزرگوار اشک ریختند.

امیدواریم نکاتی که در مورد ساحت مقدس آن بزرگوار عرض شد مورد قبول امام صادق (علیه السلام) قرار گرفته باشد و این ارادت‌ها و اخلاص‌هایی که تقدیم آن بزرگوار می‌شود ذخیره‌ای برای شب اول قبر و قیامت ما و ترفیع درجات ما در بهشت برین باشد.

البته سخن درباره امام صادق بسیار زیاد است، ما به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

مجری:

از شما حضرت استاد و بینندگان عزیز تشکر می‌کنم؛ ان‌شاءالله تا پایان برنامه همچنان با ما همراه باشید. یک میان برنامه می‌بینیم، برمی‌گردیم و با ادامه مباحث در خدمت شما خواهیم بود.

باز هم شهادت امام صادق را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم. ان‌شاءالله در این دقائق که شام شهادت امام صادق است بهتر بتوانیم به آن حضرت توسل کنیم، معرفت خود را افزایش دهیم و بدانیم که پیرو چه کسی هستیم تا ان‌شاءالله بتوانیم شیعیان خوبی باشیم.

در جلسه قبل در برنامه اخلاق علوی، حضرت استاد به موضوع نامه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به «عثمان بن حنیف» پرداختند. البته اگر مایل هستید که برنامه را بطور کامل ببینید می‌توانید به آرشیو «شبکه جهانی ولایت» مراجعه و برنامه را مشاهده بفرمایید.

دوست دارم که استاد خلاصه‌هایی از آنچه که در برنامه قبل گفته شد را بفرمایند تا ان شاءالله طرح سؤال جدید کنیم.

خلاصه مطالب مطرح شده در جلسه قبل:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امیرالمؤمنین در خطبه ۴۵ نهج البلاغه به عامل و فرماندار خود در بصره نامه‌ای نوشته‌اند و در ابتدای امر به فرماندار خود اخطار شدیدی کرده‌اند مبنی بر اینکه چرا ضرورت ساده زیستی کارگزاران را رعایت نکرده است.

«أَمَا بَعْدُ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِئِيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذِبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا»

یابن حنیف! به من خبر دادند شخصی از جوانان اهل بصره تو را به ولیمه‌ای دعوت کرده است و تو به سرعت هم رفتی.

«تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ»

با غذاهای رنگارنگ.

«وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ»

و ظرف‌هایی پر از طعام که به سویت آورده می‌شده پذیراییت کرده‌اند.

«وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوءٌ وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُوءٌ»

خیال نمی‌کردم مهمان شدن به سفره قومی را قبول کنی که محتاجشان را به جفا می‌رانند، و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند.

حضرت امیرالمؤمنین در ادامه می‌فرماید:

«فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ»

به لقمه‌ای که بر آن دندان می‌گذاری دقت کن.

خیلی مهم است که بدانید لقمه‌ای که می‌خورید حلال است یا حرام است!! اگر مشتبه بود، از آن اجتناب کنید.

سپس حضرت می‌فرماید:

«فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفُطْهَ»

لقمه‌ای را که حلال و حرامش بر تو روشن نیست بیرون افکن.

«وَمَا أَيْقَنْتَ بِطَيْبِ [وَجْهِهِ] وَجْهِهِ فَتَلْ مِنْهُ»

و آنچه را می‌دانی از راه‌های حلال به دست آمده بخور.

«أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ

مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»

معلومات باد که هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می‌کند، و از نور علمش بهره می‌گیرد. آگاه باش

امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده.

«أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ»

معلوماتان باد که شما تن دادن به چنین روشی را قدرت ندارید، ولی مرا با ورع و کوشش در عبادت و

پاکدامنی و درستی یاری کنید.

غذاهای گوناگون و سفره‌های رنگارنگ با فلسفه کارگزار اسلامی منافات دارد. این مطالب بحث‌هایی بود که در جلسه گذشته مطرح کردیم و بعد اشاره کردیم که حضرت از متاع دنیوی چیزی نداشتند.

آقای «یعقوبی» در کتاب «تاریخ» خود می‌نویسد: زمانی که امیرالمؤمنین از دنیا رفت تمام سرمایه آن بزرگوار هفتصد درهم بود که آن هم از سهمیه بیت المال بود که بالسویه میان همه تقسیم کرده بود و قرار بود که با آن پول برای خانه خود خادمی تهیه کند.

زمانی که امیرالمؤمنین وارد کوفه شد جمله‌ای تاریخی گفت که بنده گمان می‌کنم این جمله را هیچ حاکمی در تاریخ بشریت نمی‌تواند به زبان بیاورد.

«قَالَ عَلِيٌّ عَ دَخَلْتُ بِلَادِكُمْ بِأَشْمَالِي هَذِهِ»

امیرالمؤمنین فرمودند: با این جامه‌ها [ای مندرس] به سرزمین شما آمدم.

«وَرَحَلْتِي وَرَاحِلَتِي هَا هِيَ»

و بار و بنه‌ام و مرکب من همین است که می‌بینید.

«فَإِنَّا أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بِغَيْرِ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِنِينَ»

اکنون اگر از سرزمین شما با چیزی جز آن چه به آن آمده‌ام بیرون روم، از خیانتکاران خواهم بود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۰،

این جمله، جمله بسیار ظریفی است که باید با طلا نوشت و نصب العین تمام کارگزاران شیعه و اهل سنت باشد. کسی که می‌خواهد در جامعه مسئولیت بپذیرد اولین اتهامی که به طرف او سرازیر می‌شود رانت خواری‌هایی است که توسط خود آن شخص یا دوستان و اطرافیان او انجام می‌شود.

لذا امیرالمؤمنین الگویی برای تمام کارگزاران عصر خود و بعد از خود تا قیامت دارند مبنی بر اینکه اگر یک حاکم دست پاکی نداشته باشد جزء خائنین محسوب می‌شود.

همچنین ما در ادامه در رابطه با ثروتی که بعضی از صحابه داشتند و علمای اهل سنت در کتاب‌هایشان آورده بودند صحبت کردیم.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. بخشی از نامه امیرالمؤمنین به «عثمان بن حنیف» در خصوص بحث «فدک» می‌باشد.

دوست داشتم بزرگواری کنید توضیحی بفرمایید که حضرت در خصوص «فدک» چه فرمودند و سرگذشت «فدک» چه شد! معمولاً در مورد «فدک» صحبت می‌شود، اما درباره سرگذشت آن کمتر گفته شده است. اگر توضیحی در این خصوص بدهید ممنون می‌شوم.

سرگذشت «باغ فدک» چه شد؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حضرت بعد از اینکه از ساده زیستی خود می‌گوید، در مورد فدک عبارتی بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكٌ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمْتُهُ السَّمَاءُ»

بله در گذشته از زیر آسمان کبود و آنچه که آسمان بر آن سایه می‌افکند فدک دست ما بود.

حال اینکه فدک چطور به دست آن بزرگوار رسید داستان مفصلی دارد.

«فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَّتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخِرِينَ»

تعدادی بر او حسد ورزیدند و آن را از ما گرفتند. همچنین عده‌ای از کنارش سخاوتمندانه گذشتند.

علی رغم تلاش‌های فراوانی که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) کردند، با حاکمان وقت صحبت کردند، امام حسن و امام حسین و «عباس» عموی پیامبر و افراد دیگر را فرستادند نتوانستند فدک را بازپس گیرند.

در نهایت حضرت صدیقه طاهره در مسجد خطبه آتشینی را مطرح می‌کند، اما متأسفانه کسی به سخنان صدیقه طاهره پاسخ نمی‌گوید. یکی از شعرا از قول حضرت فاطمه زهرا خطاب به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) اشعاری می‌سراید که چنین است:

بر فراز منبرت گردید حقم پایمال

هرچه نالیدم لبی هم در جوابم وا نشد

ای قلم بنویس ای تاریخ در خود ثبت کن

یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

امیرالمؤمنین در ادامه می‌فرماید: ما فدکی داشتیم که آن را از ما غصب کردند و دیگران هم سخاوتمندانه از کنارش گذشتند. حضرت سپس همان تعبیری که حضرت صدیقه طاهره به خلیفه اول فرمودند را بیان کرد:

«وَ نِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ»

بترس از روزی که مدعی من باشم، قاضی رسول اکرم، داور خدای عالم و در محکمه عدل الهی باشد.

«وَمَا أَضْعُجُ بِفَدَكٍ وَغَيْرِ فَدَكٍ»

من کاری به فدک و غیر فدک ندارم.

«وَالنَّفْسُ مَظَانُّهَا فِي عَدِّ جَدَّتْ تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا»

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای دنیا ارزشی قائل نیست. در یکی از شبهای جنگ صفین کفش آن بزرگوار پاره شده بود و حضرت آن را با دست خود وصله می‌زد.

در این حال «ابن عباس» خطاب به ایشان عرض کرد: الان وقت وصله زدن نیست؛ شما حاکم هستید. امیرالمؤمنین فرمود: این حکومت بر شما به اندازه لنگه کفش پاره برای من ارزش ندارد، مگر اینکه حق و عدالتی را در اینجا اجرا کنم و بتوانم ظلمی را دفع کنم!!

در حقیقت نگاه امیرالمؤمنین به دنیای جاودان است. حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: هدف آفرینش این است که ما آخرت خود را بسازیم، نه اینکه دنیا را آباد کنیم.

«الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ»

دنیا محل کشت و زرع است.

مجموعه ورام، نویسنده: ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، ج ۱، ص ۱۸۳

نتیجه‌ها باید در آخرت دیده شود. بنده بارها گفتم ما نهایت ۱۲۰ سال عمر می‌کنیم؛ اگر در اینجا مشغول دنیا و ثروت و غیره باشیم وقتی مردیم و به آن دنیا رفتیم در آنجا چند سال خواهیم بود؟

عالم برزخ دهها هزار سال طول خواهد کشید و اصلاً خبر نداریم، در قیامت چه بهشتی باشیم و چه جهنمی در آن جاودانه خواهیم ماند. در آن جهان صدها هزار سال خواهیم ماند و اصلاً عدد کار نمی‌کند.

(خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا)

و همیشه در آن خواهند ماند.

سوره نساء (۴): آیه ۵۷

حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«وَمَا أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَغَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مَظَانُّهَا فِي غَدِّ جَدَّتْ»

من به فدک و غیر فدک کاری ندارم، زیرا میعادگاه آدمی قبری است که در آن تاریکی‌ها آثار حیاتش محو می‌شود.

«تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيْبُ أَخْبَارُهَا»

در آنجا دیگر از خانه، زن، فرزند، مقام و ثروت هیچ خبری نیست و خبر ندارد دوستان و اقوام او با اموالش چه کردند.

«وَ حُفْرَةٌ لَوْ زِيدَ فِي فَسْحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ يَدَا حَافِرِهَا لَأَضْغَطَهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدْرُ»

قبر حفره و گودالی است که هرچه بخواهند آن قبر را گسترده کنند و وسعت بدهند سنگ کلوخ تن آدمی را فشار می‌دهد.

«وَ سَدًّا فَرَجَهَا التُّرَابُ الْمُتْرَاكِمُ»

روزنه‌هایی که در میان این عالم و قبر است را خاک‌ریزها پر می‌کند.

«وَأِنَّمَا هِيَ نَفْسٌ أَرُوذَهَا بِالتَّقْوَى لِيَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْحَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَابِ الْمَزْلَقِ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا»

و من تلاشم این است که نفس خود را با زینت تقوا مزین و آراسته کنم.

«لِيَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْحَوْفِ الْأَكْبَرِ»

نفس من در قیامت با امنیت کامل باشد و از حساب الهی باکی نداشته باشد و از ملائکه خوف نداشته باشد.

در مرحله اول باید واجبی از ما ترک نشود و گناهی در زندگی ما نباشد؛ این اولین پله تقوا است!

«وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَابِ الْمَزْلَقِ»

نفسم را با تقوا پرورش می‌دهم تا در پرتگاه لغزش استوار بماند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۱۷، خ

۴۵

نگاه امیرالمؤمنین را در نامه آن بزرگوار به «عثمان بن حنیف» مشاهده کنید. ایشان می‌فرمایند: «عثمان بن حنیف!» من اینگونه هستم. اگر چنانچه فدکی هم بود برای من بی‌ارزش است، زیرا من به فکر گودال قبر و عالم برزخ و قیامت هستم.

این موارد برای امیرالمؤمنین مهم است. اگر کسی به فکر آخرت باشد مسائل دنیا برایش حل می‌شود. امیرالمؤمنین خطبه دیگری نسبت به دنیا دارد که می‌فرماید:

«دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ»

دنیا خانه‌ای است که از هر طرف بلا آن را احاطه کرده است.

یک روز خود انسان مریض می‌شود، یک روز همسر او مریض می‌شود، یک روز فرزند او مریض می‌شود، یک روز عروس او مریض می‌شود، یک روز برادر او مریض می‌شود، یک روز پدر او می‌میرد، یک روز مادر او می‌میرد، یک روز گرفتاری‌های مالی پیش می‌آید.

«و بِالْعَدْرِ مَعْرُوفَةٌ»

و این دنیا در مکر و حيله کاملاً متخصص است.

دنیا یک سری مسائل و زرق و برق آن را به انسان نشان می‌دهد او را مجذوب خود می‌کند سپس در همین حال انسان را از خدا و تقوا غافل می‌کند.

«لَا تَدُومُ أحوَالُهَا وَ لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا»

دنیا یکنواخت نیست و کسانی که در این دنیا هستند از بلاها و آفات در امان نیستند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۴۸، خ

۲۲۶ و من خطبة له ع فی التنفیر من الدنیا

روزگار است این گهی عزت دهد گه خار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

یک سؤال مهم!!

بنابراین ما باید دقت کنیم که از فرمایشات امیرالمؤمنین حد اکثر بهره را برده باشیم. در اینجا سؤالی پیش

می‌آید که چرا وقتی امیرالمؤمنین به خلافت رسیدند، باغ فدک را برنگرداندند؟

بنده به دوستان توصیه می‌کنم به کتاب «کافی» جلد ۸ حدیث شماره ۲۱ مراجعه کنند. این جلد از کتاب کافی مسلسل است و در چاپ بیروت صفحه ۳۶ است در حالی که اوایل چاپ آخوندی است.

حضرت در این کتاب به صراحت می‌فرماید: در گذشته بدعت‌هایی صورت گرفت است. اگر من بخواهم این بدعت‌ها را اصلاح کنم؛

«لَتَفَرَّقَ عَنِّي جُنْدِي حَتَّىٰ أَبْقَىٰ وَوَحْدِي أَوْ قَلِيلٌ مِّنْ شِيعَتِي الَّذِينَ عَرَفُوا فَضْلِي وَفَرَضَ إِمَامَتِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»

تمام سپاه از من متفرق می‌شوند، من تنها می‌مانم و در کنار من جز شیعیانی که امامت الهی من را از کتاب خدا و سنت نبی گرفتند کسی نمی‌ماند.

وهابیت ادعا می‌کنند: "چرا امیرالمؤمنین امامت خود را اعلام نکردند؟!" آیا امامت خود را از این بهتر و بالاتر اعلام کنند؟! آن بزرگوار در ادامه می‌فرماید:

«أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَمَرْتُ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَ فَرَدَدْتُهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَهُ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ»

اگر مقام حضرت ابراهیم را که تغییر دادند به جای اولی که رسول الله گذاشته بودند بازگردانم.

«وَ رَدَدْتُ فَذَكَأَ إِلَيَّ وَرَثَةُ فَاطِمَةَ ع»

اگر من فدک را به فرزندان زهرا برگردانم.

و یا متعة النساء و متعة الحج را که تحریم کردند حلال کنم و مردم را وادار کنم بسم الله را بلند بگویند؛

«إِذَا لَتَفَرَّقُوا عَنِّي»

مردم از اطراف من متفرق می‌شوند.

سپس در ادامه می‌فرماید:

«وَاللّٰهُ لَقَدْ اَمَرْتُ النَّاسَ اَنْ لَا يَجْتَمِعُوْا فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ اِلَّا فِيْ فَرِيضَةٍ»

ولله به مردم گفتم در ماه رمضان نماز تراویح نخوانید و جز فریضه واجب نماز دیگری نخوانید.

«فَتَنَادَى بَعْضُ اَهْلِ عَسْكَرِيْ مِمَّنْ يَّقَاتِلُ مَعِيَ يَا اَهْلَ الْاِسْلَامِ غِيْرَتُ سُنَّةِ عُمَرَ يَنْهَانَا عَنِ الصَّلَاةِ فِيْ شَهْرِ

رَمَضَانَ تَطُوْعًا»

اما سپاه من در گوشه و کنار گفتند: علی سنت عمر را تغییر داد و به ما می‌گوید در ماه رمضان نماز مستحبی نخوانیم.

«وَلَقَدْ خِفْتُ اَنْ يُّتُوْرُوْا فِيْ نَاحِيَةِ جَانِبِ عَسْكَرِيْ»

من ترسیدم که سپاهیان من علیه من شورش کنند.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸،

ص ۵۹ - ۶۳، ح ۲۱

درست است که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) پنج سال حکومت کردند، اما حضرت از همان سال اول درگیر مسائلی مانند جنگ و درگیری بود. درگیری‌های زمان خلافت آن بزرگوار به قدری بود که «بخاری» می‌گوید: پنج سال، سال فتنه برای جامعه اسلامی بود!!

لذا امیرالمؤمنین نمی‌توانست در آن بحران‌ها نسبت به موضع فدک تصمیم‌گیری کند و قاطعانه به مسائل عمل کند.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. مطالب حضرت امیرالمؤمنین در نامه‌ای که به «عثمان بن حنیف» بود در خصوص فدک مشخص شد و استاد به سؤالات و شبهات از کتاب شریف «کافی» پاسخ دادند.

استاد با توجه به اینکه به قضیه فدک رسیدیم علاقه مندم توضیح بفرمایید که فدک چگونه به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رسید و در نهایت سرنوشت فدک چه شد؟!

ناگفته‌هایی پیرامون «فدک» و سرنوشت آن

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است؛ این سؤال برای عزیزان شیعه و اهل سنت سؤال بسیار مهمی است. سؤالات زیادی در این باره پرسیده می‌شود که فدک چه بود و چه سرنوشتی داشت. در کتاب «تاریخ طبری» جلد دوم صفحه ۱۳۸ وارد شده است:

«فكانت خيبر فينا للمسلمين وكانت فدك خالصة لرسول الله لأنهم لم يجلبوا عليها بخيل ولا ركاب»

خیبر مخصوص مسلمانان بود و فدک ملک خالص پیغمبر اکرم بود، زیرا نه برای آن لشکرکشی شد و نه شمشیری زده شد.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية – بيروت،

ج ۲، ص ۱۳۸، باب ذكر الأحداث الكائنة في سنة سبع من الهجرة

قرآن کریم در سوره مبارکه حشر آیه ۶ به صراحت می‌فرماید:

(وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ

يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

آنچه را خدا به رسولش از آنها (از یهود) بازگرداند چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید) نه اسبی تاختید و نه شتری، ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد، و خدا بر هر چیز قادر است.

سوره حشر (۵۹): آیه ۶

طبق این آیه شریفه به دلیل اینکه فدک به صورت مسالمت‌آمیز به دست نبی گرامی اسلام رسیده بود، ملک خالص آن بزرگوار بود. در کتاب «تاریخ الاسلام» اثر «ذهبی» جلد ۲ صفحه ۴۲۲ دارد که:

«فكانت أموال خيبر فيئاً بين المسلمين، وكان فدك خالصة لرسول الله»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی،

دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد

السلام تدمری، ج ۲، ص ۴۲۲، باب ذکر صفة

همچنین آقای «بغوی» در کتاب «تفسیر» خود جلد ۴ صفحه ۱۹۷ می‌نویسد:

«وكانت فدك خالصة لرسول الله»

تفسیر البغوی، اسم المؤلف: البغوی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: خالد عبد الرحمن العک،

ج ۴، ص ۱۹۷، باب الفتح: (۲۰) وعدکم الله مغانم... ..

«نیآوردی» یکی از فقهای بزرگ شافعی در کتاب «الحاوی الکبیر» جلد ۱۴ صفحه ۵۵ می‌نویسد:

«وصارت فدك خالصة لرسول الله لأنه أخذها بلا إيجاف خيل ولا ركاب»

الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزنی، اسم المؤلف: علی بن محمد بن حبیب الماوردی البصری الشافعی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - لبنان - ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض - الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، ج ۱۴، ص ۵۵، فصل: [غزوة خیبر]

آقای «علاءالدین کاشانی» یکی از فقهای بزرگ احناف در کتاب «البدایع و الصنائع» جلد ۷ صفحه ۱۱۶ می نویسد:

«وَلِهَذَا كَانَتْ فَذْكَ خَالِصَةً لِرَسُولِ اللَّهِ»

بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، اسم المؤلف: علاء الدین الکاسانی، دار النشر: دار الکتب العربی - بیروت - ۱۹۸۲، الطبعة: الثانية، ج ۷، ص ۱۱۶، فَضْلٌ وَأَمَّا بَيَانُ حُكْمِ الْعَنَائِمِ

مطالب مفصلی در این زمینه وجود دارد. از طرفی ما شاهد این هستیم که بعد از نزول آیه:

(وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا)

و حق نزدیکان را پرداز و (همچنین) مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر مکن.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۲۶

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فدک را که ملک شخصی ایشان بود را به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخشیدند.

در کتاب «مسند ابی یعلی» جلد دوم صفحه ۳۳۴ روایتی از «ابو سعید خدری» نقل شده است که وقتی آیه شریفه (وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) نازل شد؛

«دعا النبي فاطمة وأعطائها فذك»

پیغمبر اکرم فذک را به حضرت فاطمه زهرا اعطا فرمودند.

مسند أبی یعلی، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن المثنی أبو یعلی الموصلی التمیمی، دار النشر: دار
المأمون للتراث - دمشق - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، تحقیق: حسین سلیم أسد، ج ۲، ص ۳۳۴،

ح ۱۰۷۵

آقای «بلاذری» در کتاب «فتوح البلدان» خود این مسئله را به طور مفصل مطرح کرده است مبنی بر اینکه
حضرت به خلیفه اول فرمودند:

«فقد جعلها رسول الله لی»

پیغمبر اکرم فذک را ملک شخصی من قرار داد و به من بخشید.

فتوح البلدان، اسم المؤلف: أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت -

۱۴۰۳، تحقیق: رضوان محمد رضوان، ج ۱، ص ۴۴، باب فذک

همچنین آقای «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» جلد ۹ صفحه ۳۲۰ می نویسد: زمانی که این آیه نازل شد
رسول اکرم فذک را به حضرت صدیقه طاهره بخشیدند.

در کتاب «فتح القدير» اثر آقای «شوکانی» که وهابیت برای آن احترام خاصی قائل هستند جلد سوم صفحه
۲۲۴ وارد شده است:

«وأخرج البزار وأبو یعلی وابن أبی حاتم وابن مردویه عن أبی سعید الخدری قال لما نزلت هذه الآية

(وأت ذا القربی حقه) دعا رسول الله فاطمة فأعطائها فذک»

بزار و ابو یعلی و ابن ابی حاتم و ابن مردویه همگی از ابو سعید خدری نقل کردند که وقتی آیه شریفه (وَأْتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقًّا) نازل شد پیغمبر اکرم فدک را به حضرت فاطمه زهرا بخشیدند.

فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، اسم المؤلف: محمد بن على بن محمد الشوكانى، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج ۳، ص ۲۲۴، باب الإسرائاء: (۳۳)

به گمانم تا اینجا مسئله کاملاً روشن شد که فدک ملک شخصی رسول الله بود و حضرت ملک شخصی خودشان را هم به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) بخشیدند.

این ملک ارتباطی به بیت المال نداشت که حاکمان بعدی بگویند که این ملک بیت المال بوده و ما می‌خواهیم این ملک را تصرف کنیم یا مربوط به تمام مسلمانان بوده است.

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله عليها) بعد از اینکه فدک مورد غضب قرار گرفت فرمایشاتی بیان کردند. «ابن شبه نمیری» در کتاب «تاریخ المدينة المنورة» به صراحت مطالبی در این خصوص بیان کرده است.

وقتی ما مطالبی از کتاب «تاریخ طبری» و امثال آن می‌آوردیم کارشناسان شبکه‌های شیطانى صهیونیستی ادعا می‌کنند که چرا از کتاب «تاریخ مدینه المنورة» مطالبی نمی‌آورید، زیرا معتبرترین تاریخ است!!

حال ملاحظه کنید که در کتاب «تاریخ مدینه المنورة» جلد اول صفحه ۱۹۹ وارد شده است:

«إِنَّ أَبَا بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ انْتَزَعَ مِنْ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَدَكَ»

ابابکر فدک را از دست حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) گرفت.

تاریخ المدينة لابن شبة، المؤلف: عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبدة بن ریطة النمیری البصری، أبو زيد (المتوفى: ۲۶۲ هـ)، حققه: فهيم محمد شلتوت، طبع على نفقة: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، عام

النشر: ۱۳۹۹ هـ، ج ۱، ص ۱۹۹، باب ذِكْرُ فَاطِمَةَ وَالْعَبَّاسِ وَعَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَطَلَبِ مِيرَاثِهِمْ مِنْ تَرْكَةِ

النَّبِيِّ

همچنین در کتاب «الصواعق المحرقة» اثر «ابن حجر هیثمی» هم روایتی به همین شکل بیان شده است که می‌گوید:

«إن أبا بكر انتزع من فاطمة فدك»

الصواعق المحرقة على أهل الرضى والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أحمد بن محمد بن علي ابن حجر

الهیثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرحمن

بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ۱، ص ۱۵۷

کتاب‌های دیگر در این زمینه خیلی زیاد است. حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تلاش‌های زیادی کرد تا فدک را برگرداند. آن حضرت اتمام حجت کردند.

خلفا از آن بزرگوار شاهد خواستند علی رغم اینکه حضرت فاطمه زهرا نیازی به شاهد نداشت و آیه تطهیر شهادت بر طهارت و عصمت آن بانوی بزرگوار داده بود، با تمام این احوالات برای اینکه حجت تمام شود حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شهادت داد، اما خلفا ادعا کردند که علی بن ابی طالب شوهر توست و شهادت او فایده‌ای ندارد؛ همو که در طبق فرمایش آیه مباحله نفس پیغمبر اکرم است!!

امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) شهادت دادند، اما خلفا شهادت آن‌ها را قبول نکردند. «أم أیمن» همراه با امیرالمؤمنین آمدند و شهادت دادند، اما آن‌ها ادعا کردند که این افراد یک مرد و یک زن هستند درحالی‌که دو زن باید بیاید!!

بنابراین خلفا مسائل مفصلی را پیش کشیدند. طبق آنچه در ذهنم هست بنده چندین سال قبل حدود ۱۲ جلسه در رابطه با مباحث فدک بحث کردیم و بیان کردیم که ادعای وهابیت مبنی بر اینکه انبیاء از خود ارثی به جای نمی‌گذارند اصلاً ارتباطی به این قضیه ندارد.

فدک اصلاً ارث حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نبود که بخواهند چنین چیزی بگویند، بلکه ملک شخصی رسول گرامی اسلام بوده است. زمانی که خلفا روایت «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ» را خواندند، حضرت فاطمه زهرا آیه شریفه:

(وَ وَرِثَ سَلِيمَانُ دَاوُدَ)

و سلیمان وارث داود شد.

سوره نمل (۲۷): آیه ۱۶

و:

(فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا)

تو به قدرت جانشینی به من ببخش که وارث من و آل یعقوب باشد و او را مورد رضایت قرار ده.

سوره مریم (۱۹): آیات ۵ و ۶

را بیان کردند. در این رابطه عده‌ای با ناشی‌گری ادعا کردند که مراد از این ارث نبوت است!! بنده گمان می‌کنم سبک‌تر از این عبارت ندیده باشم و فکر نمی‌کنم بی‌منطق‌تر از این عبارت کسی پیدا کند.

آیا واقعاً نبوت ارث و موروثی است؟! اگر پدر پیغمبر بود آیا پسر او می‌تواند نبوت را از او به ارث ببرد؟! آیا این کار سابقه دارد؟! آیا عقل قبول می‌کند؟! شما می‌گویید امامت انتخابی است، اما آیا مگر می‌شود روی نبوت ارث گذاشت؟!!

این درحالی است که ارزش نبوت بسیار بسیار بالاتر از مال دنیاست و اصلاً با مسائل دنیوی قابل مقایسه نیست.

اگر قرار باشد پیامبری نبوت را به ارث بگذارد، اموال را به طریق اولی می‌تواند به ارث بگذارد!!

من نمی‌دانم بعضی افراد چه فکری دارند که اینطور دسته گل یا گلدسته به آب می‌دهند مبنی بر اینکه انبیاء چنین و چنان بودند. بنابراین در رابطه با مسئله فدک سخن بسیار زیاد است، همانطور که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند:

«وَنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ»

ما حکومت را به خدا واگذار کردیم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۱۷، خ

۴۵

خدا خود داور، قضاوت و حکم خواهد کرد!! زمانی که ما کاری را به خدا واگذار کردیم دیگر نیازی به غیر او نداریم.

از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند: چرا جد بزرگوارتان فدک را برنگرداند؟! آن حضرت در جواب فرمود: صاحب حق و غاصب حق هر دو نزد خداوند رفتند و خداوند عالم میان آنها قضاوت کرده است. وقتی خداوند عالم قضاوت کرده باشد چرا ما اقدام کنیم!!

آقای حسینی من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. عزیزانی که با ما همراه هستید می‌دانید در بحثی که استاد داشتند به جریان ساده‌زیستی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اشاره شد. من سؤالی می‌پرسم و بعد از آن به سراغ تماس‌های شما می‌رویم و سؤالاتان را دریافت خواهیم کرد.

استاد اینکه حضرت امیرالمؤمنین اینگونه فرمودند، جمله تکان دهنده‌ای که واقعاً هیچ حاکمی جرئت نمی‌کند مطرح کند به چه معناست؟!

آیا دلیل این جمله این است که آن بزرگوار امکانات رفاهی نداشتند یا اینکه امکانات رفاهی داشتند، اما استفاده نمی‌کردند؟! اگر آن بزرگوار از امکانات رفاهی خود استفاده نمی‌کردند دلیل عدم استفاده چه بوده است؟!

قناعت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کمال توانایی

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته زیبایی است؛ باید ببینیم که آیا واقعاً حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نمی‌توانست در منزل سفره رنگارنگ برای خود فراهم کند و غذاهای رنگارنگ بخورد!! چه چیزی مانع شده بود؟!

(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ)

بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟

سوره اعراف (۷): آیه ۳۲

حضرت امیرالمؤمنین در نامه‌ای که به «عثمان بن حنیف» نوشتند جمله زیبایی دارند که می‌فرمایند:

«وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ»

اگر می‌خواستیم هر آینه می‌توانستیم به عسل مصفاً و مغز این گندم و بافته‌های ابریشم راه بروم.

«وَلَكِنْ هَيَّاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُوذَنِي جَشَعِي إِلَى تَخِيرِ الْأَطْعِمَةِ»

اما چه بعید است که هوای نفسم بر من غلبه کند و حرص مرا به انتخاب غذاهای لذیذ وادار نماید.

«وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبَعِ»

در حالی که شاید در حجاز یا یمامه کسی زندگی کند که برای او امیدی به یک قرص نان نیست و سیری شکم را به یاد نداشته باشد.

«أَوْ أُبَيْتِ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونُ غَزْتِي وَ أَكْبَادُ حَرِّي»

یا آنکه شب را با شکم سیر صبح کنم در حالی که در اطرافم شکم‌های گرسنه و جگرهایی سوزان باشد.

دوستداران و علاقمندان به حضرت امیرالمؤمنین اگر وسائل رفاهی و غذا در اختیار دارید، اما در همسایگی شما طفل گرسنه‌ای وجود دارد اخلاق علوی چنین اقتضا می‌کند که بخشی از غذا و نان خود را به بیچاره‌ای که غذا در اختیار ندارد بدهید.

باید از امکانات خود برای کمک به فقرا و بیچارگان استفاده کنید؛ چه بسا فرزندان سایه پدر را از دست دادند و زمانی که می‌بینند دست همسالانشان در دست پدرانشان است حسرت می‌کشند و گریه می‌کنند.

این فرزند زمانی که می‌بیند پدرها برای فرزندان خود وسایل بازی یا مواد غذایی می‌خرند حسرت می‌کشد، گریه می‌کند و با خود می‌گوید من پدر ندارم که برای من غذا و وسایل بگیرد. این مسائل همگی مسئولیت آفرین

است!!

دوستاناران امیرالمؤمنین و کسانی که شعار علوی بودن و اعتقاد به آن بزرگوار سر می‌دهید مراقب باشید
علی‌گونه مسائل را رعایت کنید و علی‌گونه زندگی کنید.

«وَأَكُونَ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ:»

یا چنان باشم که گوینده‌ای گفته:

«وَحَسْبُكَ [عَارًا] دَاءٌ أَنْ تَبَيْتَ بِبَطْنَةِ وَ حَوْلِكَ أَكْبَادٌ تَجِنُّ إِلَى الْقَدِّ»

این درد و ننگ تو را بس که با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی باشد که پوستی را برای
خوردن آرزو کنند.

آن حضرت در ادامه جمله عجیبی دارند که اگر ما این جمله را الگو قرار بدهیم بسیاری از مسائل و مشکلات حل
خواهد شد. آن بزرگوار در ادامه می‌فرمایند:

«أَأَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي
جُشُوبَةِ الْعَيْشِ»

آیا به این قناعت کنم که به من امیر مؤمنان گفته شود، ولی در سختی‌های روزگار با آنان شریک نباشم
یا در تلخی‌های زندگی الگویشان محسوب نشوم.

مشاهده کنید اخلاق علوی چنین است و برای حاکم، مؤمن، ثروتمند و امکانات‌دار یکی است. این موارد همگی
نکاتی است که باید رعایت کنیم. امیرالمؤمنین در ادامه می‌فرمایند:

«فَمَا حُلِفْتُ لِيَسْغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عِلْفُهَا أَوْ الْمُرْسَلَةِ شَغْلُهَا تَقْمُمُهَا تَكْتَرُش
مِنْ أَغْلَافِهَا وَ تَلْهُو عَمَّا يَرَادُ بِهَا»

آفریده نشدم تا خوردن غذاهای پاکیزه مرا سرگرم کند به مانند حیوان به آخور بسته که همه اندیشه‌اش علف خوردن است یا چهار پای رها شده که کارش به هم زدن خاکروب‌هاست از علف‌های آن شکم را پر می‌کند و از منظور صاحبش از سیر کردن او بی‌خبر می‌باشد.

«أَوْ أُتْرِكَ سُدىً أَوْ أُهْمَلَ عَابِثاً أَوْ أُجْرَ حَبْلَ الضَّلَالَةِ أَوْ أُعْتَسِفَ طَرِيقَ المَئَاةِ»

هیئات از اینکه رهایم ساخته یا بیکار و بی‌پرده‌ام گذاشته باشند یا کشاننده عنان گمراهی باشم یا در حیرت و سرگردانی بیراهه روم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۱۷ و

۴۱۸، خ ۴۵

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند: اگر من بخواهم بهترین غذا، بهترین لباس، بهترین خانه، بهترین قصر یا بهترین مرکب را تهیه کنم می‌توانم انجام دهم و برایم مهم نیست.

آنچه برای آن بزرگوار مهم است این است که بهترین امکانات را در اختیار داشته باشد، اما در جامعه اسلامی صاحب خانه یک مسلمان به خاطر تأخیر در اجاره اثاث او را در خیابان بریزد!!

آن حضرت به این می‌اندیشند که بهترین غذا را بخورند، اما بچه‌های یتیم حتی برای خوردن یک نان خشک و خالی هم با مشکل مواجه باشند.

این سخنان حضرت امیرالمؤمنین مخصوصاً در عصر حاضر چه در داخل کشور و چه خارج کشور کاراست. تقاضا دارم هرکجا هستید مقداری به فکر همسایگان‌تان باشید، به فکر افراد نیازمند و تنگ دست باشید.

این مسائل نباید برای شما ملاک باشد، بلکه باید اخلاق علوی را رعایت کنید و تلاش کنید زندگیتان را زندگی علی‌گونه قرار بدهید و باقی را هم به خداوند علی واگذار کنید.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. ان شاءالله بتوانیم همه اینگونه باشیم علی الخصوص در این ایام که شام شهادت امام صادق (علیه السلام) است بتوانیم شیعیان خوبی باشیم و یکی از وصایای حضرت امیرالمؤمنین که اهتمام نسبت به ایتام بود را به خوبی به جای بیاوریم.

می‌خواهیم به سراغ تماس‌های شما عزیزان برویم، اما قبل از آن در فرصتی که باقی است سری به اتاق فرمان بزنیم بعد ان شاءالله سؤالات شما بزرگواران را می‌شنویم. با ما همراه باشید.

تماس بینندگان برنامه:

از همراهی شما بینندگان عزیز و ارجمند ممنونم. به سراغ تماس‌های شما بزرگواران برویم؛ تماس اول زهرا خانم ۹ ساله از اصفهان هستند. سلام علیکم و رحمة الله؛

بیننده (زهرا خانم از اصفهان - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت مجری محترم و استاد قزوینی شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم. می‌خواستم درباره اثبات توسل از قرآن و سنت چند مطلب خدمت شما بیان کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال در سوره یوسف آیه ۹۷ می فرماید:

(قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

گفتند پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

حضرت یعقوب در آیه بعد می فرماید:

(قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ)

گفت به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم که او غفور و رحیم است.

سوره یوسف (۱۲): آیات ۹۷ و ۹۸

اگر طبق برداشت غلط مخالفین توسل از آیه شریفه:

(وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)

و ما به او از رگ قلبش نزدیک تریم!

سوره ق (۵۰): آیه ۱۶

بخواهیم استدلال کنیم که نباید از غیر خدا چیزی طلب کنیم بنابراین عمل برادران حضرت یوسف اشتباه بوده و آن‌ها کفر ورزیدند، اما مشاهده می کنیم که پیامبر خدا حضرت یعقوب هم می فرماید که به زودی برایتان آمرزش می طلبم.

خداوند در سوره مبارکه مائده آیه ۳۵ می فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

این آیه هم صراحت دارد در گرفتن واسطه برای نزدیک شدن به خداوند که به طور مطلق گفته و به چیز خاصی محدود نکرده است. بنابراین شامل همه وسایلی که باعث نزدیک شدن به خداوند می‌شود از نماز و روزه تا توسل به اهل بیت (علیهم السلام) و کار خیر می‌شود.

دستور عایشه به مردم برای توسل به قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نمونه دیگری از توسل است. «عاص بن عبدالله» می‌گوید: مردم مدینه دچار قطعی شدند و به همین خاطر به عایشه شکایت کردند.

عایشه گفت: به قبر رسول خدا روی بیاورید و پنجره‌هایی از آن به سوی آسمان بگشایید به طوری که بین قبر آن حضرت و آسمان سقفی نباشد.

راوی می‌گوید: مردم همین کار را انجام دادند و باران فراوانی بارید تا جایی که گیاهان رویدند و شتران آنقدر چاق شدند که از شدت چربی ترک برداشتند.

این روایت در کتاب «سنن الدارمی» جلد یک صفحه ۲۲۷ وارد شده است. محقق کتاب می‌گوید: تمام راویان این روایت ثقة هستند. علمای اهل سنت همانند «عبدالرحمن سربازی» هم این روایت را تصریح کرده است.

روایت بعد درباره استغاثه در مورد استغاثه به حضرت جبرئیل است که در کتاب «صحیح بخاری» حدیث ۳۳۶۵ آمده است. راوی می‌گوید: حضرت هاجر صدایی شنید و فکر کرد انسانی در آنجاست. او گفت: به داد من برس اگر در تو خیری هست.

آن صدا، صدای جبرئیل بود و بعد حضرت اسماعیل پای خود را بر زمین کوبید و در اثر آن آبی جاری شد که تا الآن هم یادگار این استغاثه حضرت هاجر و معجزه حضرت اسماعیل باقیست.

اگر بنا بر کفر بودن استغاثه بود حضرت هاجر که یکی از زنان بهشتی است و عایشه که اهل سنت او را فقیه می‌دانند باید کافر می‌شدند.

بنابراین با توجه به آیات قرآن و این دو روایت بر اهل علم و اندیشه ثابت می‌شود که توسل نه تنها کفر نیست، بلکه عملی پسندیده نزد خداوند است. از برنامه‌های خوب شما ممنونم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

زهره خانم گل دست شما درد نکند. من از پدر و مادر این عزیزمان تشکر می‌کنم و از خود این عزیزمان هم تشکر می‌کنم. خدا را شاکر هستیم و این افتخار را داریم که غنچه‌های ولایت ما لبیک گویان هر هفته یکی دو نفر روی خط می‌آیند.

ان شاء الله در برنامه‌های بعد باید مقداری بحث‌های خود را زودتر تمام کنیم تا غنچه‌های ولایت و عزیزان بیشتر در رابطه با موضوع توسل از دیدگاه قرآن و سنت قدرت‌نمایی کنند و عشق به اهل بیت و قرآن را به نمایش بگذارند. از این عزیز تشکر می‌کنم.

مجری:

زهره خانم از شما تشکر می‌کنیم زیرا مطالبتان کامل و جامع بود و با استناد به قرآن و سنت توسل را اثبات کردید. ان شاء الله که هر کجا هستید موفق و مؤید باشید و خداوند به خانواده شما خیر بدهد که چنین فرزندان را تربیت می‌کنند.

به سراغ تماس بعدی برویم؛ آقا ذوالفقار از مشهد مقدس بیننده بعدی ما هستند. سلام علیکم و رحمة الله؛

بیننده (آقا ذوالفقار از مشهد - شیعه):

سلام علیکم، امیدوارم حالتان خوب باشد. شهادت امام صادق (علیه السلام) را به شما، عزیزانی که در «شبکه جهانی ولایت» زحمت می‌کشند و حاج آقا تسلیت عرض می‌کنم.

حاج آقا سؤالی برای بنده پیش آمده است؛ بنده واقعاً خیال می‌کنم امام صادق نزد ما شیعیان واقعاً غریب است. کتابی در دست بنده است به نام «مغز متفکر جهان شیعه امام صادق» که به نظرم در یکی از دانشگاه‌های فرانسه نوشته شده است.

در این کتاب حرف‌هایی زده شده که من شیعه تا به حال این مطالب را نشنیده بودم. به عنوان مثال گفته شده که امام صادق (علیه السلام) در هزار و سیصد سال پیش گفته است: چیزی در آب وجود دارد که من می‌توانم با آن آب، آتش روشن کنم.

مراد از فرمایش امام صادق هیدروژن است. این آقا می‌گوید: شیعیان گفتند امام صادق ما علم غیب دارد، اما ما عقیده نداریم. هرچه امام صادق در هزار و چهارصد سال پیش فرموده است کمتر از اعجاز نیست.

دوم می‌گوید: امام صادق می‌فرماید هرچه در بدن انسان است در خاک هم هست، اما آقایان تازه کشف کردند. او حرف‌های بسیار دیگری از این قبیل می‌زند.

مطلب دوم اینکه من از «شبکه جهانی ولایت» عذرخواهی می‌کنم، اما باید به بعضی از عزیزانی که از تاریخ بی‌اطلاع هستند اعلام کنم که به شبکه‌های اموی زنگ نزنند. من از این افراد متنفر هستم!!

خدا شاهد است من یک پیرمرد ۶۵ ساله به این افراد می‌گویم که اگر راست می‌گویند به من وقت بدهند تا همان کاری که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در جنگ صفین بر سر «عمر و عاص» آورد را بر سرشان بیاورم. اگر این افراد راست می‌گویند به من وقت بدهند.

مطلب سوم اینکه ظاهراً «أم کلثوم» که همسر عمر بن خطاب است دختر «عائذ بن ثمر» است. اگر امکان دارد لطف کنید و این مطلب را برای من بگویید. از شما ممنونم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دست شما درد نکند. البته من به عزیزان بیننده نسبت به «مغز متفکر جهان شیعه» که در مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ فرانسه نوشته شد و جناب آقای «ذبیح الله منصوری» هم آن را ترجمه کردند مطلبی عرض کنم.

نویسندگان یک سری مباحثی را در آنجا مطرح کردند که با فرهنگ شیعه تطبیق ندارد. البته این موارد خیلی کم است و شاید از صد مورد مطالبی که دارد شاید حدود پانزده مورد آن مباحثی باشد که با مبانی اعتقادی شیعه همخوانی ندارد.

اگر دوستان این کتاب را می‌خوانند بزرگواری کنند توجه کنند که عقیده شیعه بر تمام مطالب کتاب نیست. البته جناب آقای «ذبیح الله منصوری» هم در پاورقی بعضی از نکاتی را مطرح کرده و این قضایا را خوب حل کرده است.

ما از برادر عزیزمان هم تشکر می‌کنیم که نکاتی را فرمودند، اما در رابطه با قضیه «أم کلثوم» که آیا واقعاً همسر خلیفه دوم بود یا نبود ما مفصل بحث کردیم.

بسیاری از علمای اهل سنت از جمله جناب آقای «نووی» و دیگران معتقد هستند که «أم کلثوم» دختر ابوبکر از «اسماء بنت عمیس» بوده است. «اسماء» بعد از مرگ ابوبکر به همسری حضرت امیرالمؤمنین درآمد و فرزندان کوچک او را هم آن بزرگوار بزرگ کردند.

در منابع شیعه هم مطالبی وجود دارد که ما آنان را به طور مفصل مطرح کردیم و کلیپ‌هایی هم در رابطه با قضیه «أم کلثوم» پخش شد. در مورد اینکه «أم کلثوم» دختر «عائذ بن سمره» بوده باید بگوییم آقایان وهابی شعری گفتند که در قافیه آن گیر کردند. ولی بعضی افراد به این نتیجه رسیدند که این دختر موقع ازدواج با خلیفه دوم دو سال بیشتر نداشت. این مسئله به قدری مضحکه شده است که مزه گناه و دروغی که درست کرده بودند را هم برده است.

مجری:

ان‌شاءالله عزیزانی که می‌خواهند در مورد بحث ازدواج «أم کلثوم» با خلیفه دوم مطالبی را داشته باشند که بتوانند خودشان نتیجه‌گیری کنند توجه کنند که ما مستند پنج قسمتی از «شبکه جهانی ولایت» پخش کردیم. اگر در فضای مجازی عبارت "مستند ازدواج «أم کلثوم» با خلیفه دوم" را جستجو کنید می‌توانید به این کلیپ‌ها دسترسی داشته باشید.

این چند قسمت را ببینید تا ان‌شاءالله نتیجه‌گیری خواهید کرد و خودتان متوجه خواهید شد که حقیقت به چه صورت است. در صورتی که لازم باشد باز هم این کلیپ‌ها را از «شبکه جهانی ولایت» پخش خواهیم کرد.

تماس بعدی جناب آقای آقای از قزوین هستند. سلام علیکم و رحمة الله؛

بیننده (آقای آقای از قزوین - شیعه):

با عرض سلام خدمت دو سید حسینی بزرگوار؛ استاد جناب آیت الله دکتر حسینی قزوینی بزرگوار و همچنین مجری محترم برنامه جناب حسینی عزیز. ایام شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم.

من از جناب دکتر تشکر می‌کنم، اما در مورد جناب «ذبیح الله منصوری» و تألیفاتشان توضیح بسیار عالی فرمودند. یک سری از افرادی که ضد شیعه و لائیک هستند تألیفات او را مستمسک قرار می‌دهند و به ائمه شیعه خصوصاً امام جعفر صادق حمله می‌کنند.

دوستان و بینندگان عزیز اگر علاقه‌مند هستند و این مطلب را از جانب بنده بپذیرند آیت الله العظمی جوادی آملی در مطلبی از کتاب «وسائل الشیعه» در مورد علم امام جعفر صادق (علیه السلام) در رابطه با علم شیمی و فیزیک روایاتی است که می‌توانند استفاده کنند.

تا جایی که در خاطر بنده هست و بنده چند سال پیش سخنرانی آیت الله العظمی جوادی آملی را شنیده بودم این مطالب در خاطر بنده هست.

بنده از بینندگان عزیز شیعه خواهشی دارم و آن اینکه کسانی که با وهابیت مبارزه می‌کنند بدانند یکی از راه‌های خوب مبارزه با وهابیت استفاده کردن از مطالبی است که استاد «علی شریفی» در کانالشان می‌گذارند.

تقاضا می‌کنم این مطالب را در کانال وهابیت جهت مبارزه با وهابیت پخش کنند. این کار خیلی خوب است. خود بنده هم شروع کردم و این کار را انجام می‌دهم و روش خوبی است.

بنده از خدمت آقای دکتر بزرگوار دو سؤال داشتم؛ به دلیل اینکه عنوان برنامه «اخلاق علوی» است و یکی از موارد مربوط به اخلاق علوی حکومت‌داری حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است باید مطلبی عرض کنم.

یک سری مخالفین که بیشتر نظرات مستشرقین را دارند چنین عنوان می‌کنند که حضرت امیرالمؤمنین در عزل «قیس بن سعد بن عباده» معاذ الله فریب «معاویه» و «عمرو عاص» را خورده بود و تحت تأثیر حيله این افراد

قرار گرفته بود. آیا چنین چیزی صحت دارد؟!

سؤال دوم بنده این است که چون زهرا خانم مطلبی را به صورت شیرین و شیوا فرمودند مطلبی به یاد من افتاد و آن اینکه در رابطه با آیه مبارکه ۸۴ سوره بقره که در مورد امامت هست پروردگار فرموده است: عهد من به ظالمین نمی‌رسد.

آیا حدیث معتبری از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یا حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) وجود دارد که توضیح داده باشد ظلم چگونه است و کسی که این سه نوع ظلم در آن وجود نداشته باشد مقام عصمت را خواهد داشت.

بنده می‌خواستم ببینم چنین حدیث معتبری هست که ما به آن استناد کنیم یا خیر؟! خیلی از شما متشکریم. اگر امر و فرمایشی ندارید من با شما خداحافظی کنم.

مجری:

عرضی نیست، از شما بسیار ممنونم. جناب آقای آقای ان‌شاءالله که موفق و مؤید و در پناه حق باشید. دیگر نمی‌رسیم تماس بعدی دریافت کنیم، اما مروری بر تماس‌ها داشته باشم.

زهرا خانم ۹ ساله از اصفهان مطالبی در مورد توسل بیان کردند و توسل را از قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم اثبات کردند.

آقا ذوالفقار از مشهد مقدس در مورد مظلومیت امام صادق (علیه السلام) صحبت کردند و عباراتی را بیان کردند مبنی بر اینکه باید بیشتر قدر امام را بدانیم و جایگاه علمی ایشان را درک کنیم. ایشان در مورد «أم کلثوم» هم سؤال کردند که پاسخ را بیان کردید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما قبلاً نسبت به مطلب ایشان مفصل صحبت کردیم. بنده چندین هفته قبل در این خصوص صحبت کردم، اما این قضیه بحث تاریخی است.

عزیزان ما به جناب آقای «پیشوایی» که مجتهد و صاحب نظر در تاریخ است. ایشان در آنجا شرح قضایا را آوردند، اما تعبیری ایشان داشتند که بنده حتی یک روایت صحیح هم در این زمینه ندیدم. امیدوارم ان شاء الله عزیزان ما همه موفق و مؤید باشند.

مجری:

ماجرای «قیس بن سعد بن عباده» که پرسیدند آیا نسبت به امیرالمؤمنین خیانت کرد یا خیر را پاسخ بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با این قضایا مسائل خیلی مفصل است. بنده چند هفته قبل این قضیه را به صورت مفصل مطرح کردم. دوستان می‌توانند به آرشیو سایت مراجعه کنند و این مطالب را دریافت کنند.

مجری:

عذرخواهی می‌کنم، بنده متوجه نشدم که این موضوع مطرح شده است. از شما بینندگان عزیز و ارجمند ممنونم و عذرخواهی می‌کنم اگر پشت خط منتظر بودید. ان شاء الله در برنامه‌های بعد بتوانید روی خط تشریف بیاورید.

هرکجا هستید ان شاء الله بتوانیم مسلمانان، مؤمنان و شیعیان خوبی باشیم. در این دقایق و ساعات آرزو می‌کنیم که خداوند متعال در امر ظهور تعجیل کند و همه با هم دعا می‌کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج